

## آموزه‌های دینی و نظریه برجسب‌زنی (تحلیل محتوای گزاره‌های حدیثی)

محسن طوسی\*

## چکیده

ارتباط میان دین و نظریات جامعه‌شناختی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی است. دیدگاه‌های مختلفی در این باره بیان شده است؛ به گونه‌ای که اگر بخواهیم آن را در یک طیف ترسیم کنیم، در یک سو، دیدگاه‌های اندیشمندان قرار می‌گیرد که قایل‌اند نمی‌توان ارتباطی میان این دو حوزه برقرار کرد و نظریات جامعه‌شناختی ربطی به دین پیدا نمی‌کند و تنها کاری که امکان دارد، بررسی جامعه‌شناختی دین است که دین نیز مانند دیگر عرصه‌ها می‌تواند مواد خام نظریات جامعه‌شناختی باشد.

در سوی دیگر، اندیشمندان معتقدند که دین می‌تواند در این عرصه حضور داشته باشد، چون دین مجموعه کاملی است که هم برای هدایت معنوی بشر و هم برای زندگی اجتماعی بشر راهکارهایی دارد و ما تنها باید به کشف این راهکارها بپردازیم و نظریات جدید از جمله نظریات جامعه‌شناختی ما را در کشف این قوانین راهنمایی می‌کند.

پژوهش حاضر در میانه این دو قرار دارد. ما در این پژوهش هیچ کدام از این دو ادعا را دنبال نمی‌کنیم، بلکه راه میانه‌ای را انتخاب کرده‌ایم و آن این است که از یک مسأله خرد جامعه‌شناختی در نظریات کجروی (نظریه برجسب‌زنی) شروع کرده‌ایم. و محورهای این نظریه را استخراج کرده و سعی داریم تا این محورها را به منابع حدیثی ارائه کنیم و پاسخ‌های آن را پی بگیریم.

کلیدواژه‌ها: دین، جامعه‌شناسی، کجروی، برجسب‌زنی

## درآمد

دیرزمانی است که متفکران و صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف علم و اندیشه، این نکته را واقعیتی انکارناپذیر در حیات فردی و اجتماعی انسان می‌دانند که برجسب‌زدن می‌تواند تأثیری جدی و تعیین‌کننده بر شخصیت و رفتار فرد داشته باشد. آنان، از چشم‌اندازهای مختلف و با سخنان و تعبیرهای گوناگون، از این واقعیت سخن گفته‌اند؛ اما به نظر می‌رسد که نخستین بار اچ. اس. بکر، دیدگاه خود در این زمینه را در قالب نظریه علمی مستقلاً ارائه کرد و بر اساس روش‌های مقبول در حوزه علوم تجربی، از این موضوع سخن گفت.

\* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی.

این نظریه - که با نام «برچسب‌زنی»<sup>۲</sup> شهرت یافته<sup>۳</sup> - به پیامدهای بین کج‌رفتاری و جامعه هم‌نوا، بویژه عوامل رسمی کنترل اجتماعی می‌پردازد. برچسب‌زنی، نظریه‌ای فرآیندی است و تحلیل‌های آن، بر واکنش‌های دیگران (کسانی که قدرت تعریف رفتار کسی و برچسب زدن به او را دارند) نسبت به افراد یا کنش‌ها و ارزیابی منفی از آن، متمرکز است. بر طبق این نظریه، برچسب زدن به شخص، ممکن است وی را به سوی رفتارهایی در جهت نقش مرتبط با برچسب، هدایت کند؛ حتی اگر آن صفت، کوچکترین شباهتی با وی نداشته باشد. مردم، معمولاً رفتار فرد برچسب زده شده را به نحوی گزارش می‌کنند که گویی رفتاری نابهنجار را توصیف می‌کنند و معمولاً از برچسب‌های شناخته شده برای عموم، استفاده می‌کنند که ممکن است در مورد فرد، صادق باشد یا نباشد. این فرایند، باعث می‌شود تا رفتار مردم و تعاملات آنها را با فرد برچسب خورده، دچار تغییر سازد.<sup>۴</sup>

ریشه‌های قرن بیستمی این نظریه، مدیون مطالعات علمی فرانک تاین بام است. او در کتابش، *جرم و جامعه*، معتقد است که فرآیند ارتکاب جرم، در نتیجه فرآیند برچسب‌زنی تعریف، و تفکیک می‌شود. توصیف و توضیح این امر واضح است. آدمی از نسبت دادن صفات ناپسند از سوی دیگران به خود، ناراحت می‌شود و به دنبال راه فراری می‌گردد تا خود را از خیال‌پردازی دیگران برهاند.<sup>۵</sup>

حال ما در این پژوهش، در پی یافتن پاسخ‌های حدیثی به محورهای نظریه برچسب‌زنی هستیم. در این مسیر ابتدا، با توان محدود خویش به جستجوی در نظریه برچسب‌زنی پرداختیم، نتیجه این جستجو را در قالب محورهایی، دسته‌بندی کردیم. این محورها را، بر منابع حدیثی، عرضه کرده و محصول در قالب توصیف و تنسیق گزاره‌ها و تحلیل‌های حدیثی ناظر به این مقوله‌ها، ارائه می‌شود.

ابتدا نباید تصور شود این کار به منزله سخن نهایی احادیث در باره نظریه برچسب‌زنی و یا حتی پرسش‌هایی است که ما با آن به سراغ احادیث رفته‌ایم؛ چون ما در زمان کوتاه و محدودیت‌هایی که داشتیم (و با توجه به ضعف فراوان نگارنده) به جستجو پرداختیم. یقیناً نکاتی وجود دارد که ما از آن غفلت کرده‌ایم. اما ادعای ما این است که از مجموعه احادیثی که ما با کلیدواژه‌های مشخصی به آن دست یافته‌ایم، این نکات استخراج شده است. بدیهی است که این کار تنها یک قدم مقدماتی و ناچیز در مسیر آن هدف سترگ است، ولی لازم است در مسیر این هدف والا تکنگرایی‌های فراوانی انجام گیرد تا پس از آن بتوان به جمع‌بندی در این زمینه پرداخت.

## مفاهیم

### نظریه برچسب‌زنی

این نظریه - که با نام «برچسب‌زنی»<sup>۶</sup> شهرت یافته<sup>۷</sup> - به پیامدهای بین کج‌رفتار و جامعه هم‌نوا، بویژه عوامل رسمی کنترل اجتماعی، می‌پردازد. برچسب‌زنی نظریه‌ای فرآیندی

۲. «Social \_ labeling theory».

۳. از این نظریه با نام‌های «برچسب اجتماعی»، «برچسب»، «انگ‌زنی» و «واکنش اجتماعی» هم یاد می‌شود (ز).

ک: جرم و جرم‌شناسی، ص ۷۹).

۴. جامعه‌شناسی مجروری، ص ۲۰۶ و ۲۰۷.

5. Encyclopedia of criminology and Deviant Behavior, p 1970.

6. Social - labeling theory.

۷. از این نظریه با نام‌های «برچسب اجتماعی»، «برچسب»، «انگ‌زنی» و «واکنش‌های اجتماعی» هم یاد می‌شود.

است و تحلیل‌های آن بر واکنش‌های دیگران مهم (کسانی که قدرت تعریف رفتار کسی و برچسب‌زدن به او را دارند) نسبت به افراد یا کنش‌ها و ارزیابی منفی از آن متمرکز است. برطبق این نظریه، برچسب‌زدن به شخص ممکن است وی را به سوی رفتار در جهت نقش مرتبط با برچسب، هدایت کند، حتی اگر آن صفت کوچک‌ترین شباهتی با وی نداشته باشد. مردم معمولاً از برچسب‌های شناخته شده برای عموم، استفاده می‌کنند که ممکن است در مورد فرد صادق باشد یا نباشد. این فرایند باعث می‌شود رفتار مردم و تعاملات آنها را با فرد برچسب خورده دچار تغییر سازد.<sup>۸</sup>

### حدیث

روشن است که نقطه محوری بحث ما در احادیث، احادیث اجتماعی (احادیث مربوط به رابطه انسان با انسان‌های دیگر)، آن هم از نوع گزاره‌های توصیفی است. البته ممکن است از گزاره‌های دستوری و هنجاری نیز نکاتی در توصیف و تفسیر پدیده‌های اجتماعی به دست بیاید؛ ولی به هر حال، مقصود اصلی ما، احادیث اجتماعی توصیفی است.<sup>۹</sup>

در این پژوهش مفاهیمی که ما با آن مفاهیم به جستجوی حدیثی پرداختیم، عبارت بودند از: غیبت (به معنای سخن گفتن در نبود کسی)، تهمت (نسبت دادن لقبی که در فرد نباشد)، تجسس (دقت بدون دلیل در زندگی افراد)، تطییر (فال بد زدن به فرد)، نیز (لقب‌های زشت)، هلاکت، تَشِيعُ الْفَاحِشَةُ (اشاعه فحشا)، روایت کردن علیه کسی (داستان‌سرایی)، کراهت، استهزا (مسخره کردن فردی)، سرزنش، حیا، تسمیه (نام‌گذاری)، اهان (اهانت کردن)، آبرو.

### روش‌شناسی (تحلیل محتوا)

#### چارچوب روشی پژوهش

ما در این تحقیق، بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی، با رعایت اصول و شرایط کلی حاکم بر آن، یعنی مقوله‌بندی و طبقه‌بندی آن این پژوهش را انجام خواهیم داد. به عقیده برلسون، تحلیل محتوا، نوعی فن‌آوری پژوهشی است برای توصیف عینی منظم است و تشریح کمی، محتوای آشکار پیام.<sup>۱۰</sup> در تعریف برلسون، واژه پیام، اشاره‌ای به کلید داده‌های موجود است؛ مانند مطالب مکتوب برنامه‌های رسانه‌ها، مصنوعات و هر چیزی که بتوان آن را مجموعه‌ای واحد به شمار آورد.<sup>۱۱</sup> ویژگی‌های منظم بودن، عینی بودن و مقداری بودن، در تعریفی که هر فهرستی از فن تحلیل محتوا می‌دهد، قابل رؤیت است: تحلیل محتوی به هر نوع فنی که در راه استنتاج منظم و عینی ویژگی‌هایی خاص یک فن به کار آید، اطلاق می‌شود.<sup>۱۲</sup> موریس دو ورژه، با تعبیر دیگری درباره این روش می‌نویسد که تحلیل محتوا، مقوله‌بندی همه اجزای یک متن در جعبه‌های مختلف است. بدین ترتیب

8. Dictionary of Education.

۹. مناسبات جامعه‌شناسی و حدیث، ص ۱۰.

10. Berelson 1954: 489.

۱۱. نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ص ۳۱۶.

12. Holisti (T. R): content analysis. P: 601.

مقدار اجزای عناصری که در هر جعبه مرتب شده‌اند، متن را مشخص می‌کنند.<sup>۱۳</sup> در تعریف کلی - که مورد نظر ماست - ، تحلیل محتوا، به این معناست که محورهای اصلی یا خطوط کلی مجموعه‌ای از کتاب‌ها یا متون، آثار نوشته شده یا شفاهی یک محقق و یا منابعی از این دست را - که درباره موضوعی خاص مطرح شده - بیابیم و برجسته نماییم. تعریف‌هایی نیز که اندیشمندان این حوزه از مفهوم و ابعاد این روش داشته‌اند، برداشت ما را تأیید می‌کند.

در مرحله نخست کار، ناگزیر به توصیف دیدگاه‌های معصومان بسنده شد. نتیجه، آن بود که تحقیق، به نوعی «تحلیل محتوای توصیفی» تبدیل شده، هدف جزئی پژوهش، «تحلیل محتوای منابع روایی» خواهد بود و «موضوع» را نیز می‌توانیم با این عبارت، بیان کنیم: «توصیف نگاه تبیینی و کنترلی احادیث اهل بیت به برجسب‌زنی و آثار آن». اکنون در این پژوهش، در پی یافتن پاسخ به پرسش‌هایی هستیم که با مطالعه نظریه برجسب‌زنی به آن دست یافته‌ایم. پژوهش حاضر، در حد مقدور این مقاله به بررسی نظریه برجسب‌زنی و پی‌گیری این سؤالات در روایات پرداخته است. پس ما در این پژوهش، به دنبال تحلیل محتوای گزاره‌های حدیثی بر اساس محورهای نظریه برجسب‌زنی هستیم.<sup>۱۴</sup>

## تعریف کجروی و تعیین کجرو

### ۱. نقش صاحبان قدرت در تعریف کجروی و تعیین کجرو

یکی از بحث‌های مهم در دیدگاه‌های برجسب‌زنی سخن درباره تعریف کجروی و تعیین کجرو است. این دیدگاه‌ها به نسبی بودن تعریف کجروی معتقدند؛ به این بیان که رفتار کجروانه، این است که صاحبان قدرت یا کسانی که حق تعریف رفتار فرد را در جامعه دارند (مانند دیگران مهم)، هویت رفتار کجروانه را مشخص کرده، تعیین می‌کنند که چه کسانی در جامعه، کجرو هستند. در حقیقت کج رفتاری، مفهومی ساخت جامعه است.<sup>۱۵</sup> یکی از مفاهیم حدیثی مرتبط با بحث صاحبان قدرت، مفهوم طیره است. علامه مجلسی در توضیح «الطَّيْرَةَ» می‌گوید:

قوم پیامبران به آنها فال بد می‌زدند. شاهد بر این برداشت، سخن خداوند درباره قوم صالح<sup>۱۶</sup> است که می‌فرماید: «قوم صالح به او گفتند: به تو و همراه تو، فال بد زدیم»، صالح گفت: «فال بد شما، در نزد خداوند است؛ بلکه شما گروهی هستید که فریفته می‌شوید». با این شاهد و بیان خداوند که می‌فرماید: «ما به شما فال بد

۱۳. روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ص ۱۱۸ - ۱۱۹.

۱۴. این روش را متکی بر رویکرد سمانتیکی در فهم متون دینی می‌شمرند (اصول و فنون پژوهش در گسترده دین‌پژوهی، ص ۲۰۳ - ۲۰۶)

۱۵. آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۵۷.

۱۶. سوره نمل، آیه ۴۷.

زدیم، و اگر دست از رسالت تان برندارید، شما را سنگسار خواهیم کرد»<sup>۱۷</sup>.

در ابتدای بحث، لازم است ارتباط مفهوم «طیره» را با «برچسب» توضیح دهیم. در معنای تطیر، عناصر زیر قابل توجه هستند و به بحث، مربوط می‌شوند:

۱. این که آماج تطیر، شوم و مایه بدبختی و دلیل بر شکست و ناکامی معرفی می‌شوند و مردم را به پرهیز از آنها وامی‌دارند؛
۲. این که بدون تردید، اثر روانی خود را بر افراد جامعه و آنان که این تهمت به آنها نسبت داده می‌شود، دارند. آثار اجتماعی این تهمت‌ها هم از همین تعبیرها دانسته می‌شود که از جمله آنها، منزول کردن آماج‌ها و مقصر جلوه دادن آنهاست؛
۳. این که این کار، ابزار دست صاحبان قدرت و در جهت منافع آنهاست؛ چنان که در آیات ۱۳۰ و ۱۳۱ سوره اعراف، این امر به نزدیکان و خاصان فرعون، منتسب می‌شود؛ آن هم با این استدلال مفسران که: «نبض سایر مردم به دست آنهاست، آنان، می‌توانند دیگران را گمراه سازند و یا به راه آورند»؛
۴. این که غالباً! جنبه خرافی و نامعقول داشته و دارد یعنی امری فرهنگی و مبتنی بر باورها و ارزش‌های جاری است که نیازی به تکیه کردن بر واقعیت‌ها ندارند برای نمونه این تعبیر علامه مجلسی درباره تطیر که «للعرب فی ذلک مذهب معروف»، فرهنگی بودن آن را نشان می‌دهد.<sup>۱۸</sup>
۵. این که تطیر در شرایط خاص اجتماعی اتفاق می‌افتاده و این شرایط، محملی برای سوء استفاده صاحبان قدرت برای سرکوب کردن مخالفان بوده است؛ از جمله آن که همان زمان که مردم از قحطی رنج می‌بردند و این وضع، حساسیت آنان را برمی‌انگیخت، مخالفان، علت آن معرفی می‌شدند.<sup>۱۹</sup>

در روایات ما نیز به این مضمون، اشاره شده است. در حدیثی به نقل از حمزه بن حرمان، امام صادق می‌فرماید:

سه چیز است که هیچ پیامبر یا کمتر پیامبری، از آن نجات پیدا نمی‌کند: اندیشیدن درباره وسوسه و بد اندیشیدن درباره مردم، فال بد زدن، و حسادت، مگر مؤمن که حسادت خویش را به کار نمی‌گیرد.<sup>۲۰</sup>

نکته دیگر این که امام صادق، در کلام گهربار خود به این اصل و واقعیت اجتماعی اشاره دارند، که برخی افراد جامعه از جمله پیامبران، آماج طیره قرار گرفته بودند. ما از این سخن، تنها می‌توانیم کلیت بحث را اثبات کنیم که پیامبران نیز همچون دیگران، در تیررس فال بد قرار دارند. پس برای اثبات نقش صاحبان قدرت در تعریف کجروی و تعیین کجرو، نیاز به شواهد دیگری داریم. اکنون برای اثبات این مهم، به شواهدی از آیات قرآن می‌پردازیم.

۱۷. سوره یس، آیه ۱۸.

۱۸. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۷۵. برای مضمون‌های مشابه، ر. ک: بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۳۲۲ و ج ۲۷، ص ۲۷۷.

۱۹. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۷۷، در شرح حدیث ۲۷.

۲۰. به نقل از: تحقیق منتشر نشده: گزاره‌های دینی و نظریه برچسب‌زنی.

۲۱. الکافی، ج ۸، ص ۱۰۱.

در بحث تعیین کجرو، نظریه‌پردازان برجسب‌زنی معتقدند که صاحبان قدرت، شاخص‌هایی را تعریف می‌کنند که آن شاخص‌ها، تعیین می‌کنند چه کسی کجرو و چه کسی بهنجار است؛ یعنی آنان، ارزش‌ها را برای آحاد جامعه، رصد می‌کنند. همچنین در نظریه برجسب‌زنی، صراحتاً بیان می‌شود که یکی از راه‌حل‌های مبارزه صاحبان قدرت با گروه‌های مخالف جامعه، فال بد زدن به آنهاست. بنا بر این، آنها را شوم، مایه بدبختی مردم و دلیل شکست‌ها و ناکامی‌ها معرفی می‌کنند همان‌گونه که اشاره شد، امام صادق در این حدیث به وجود این واقعیت اجتماعی (فال بد زدن) اشاره فرموده‌اند؛ اما نحوه آن در این حدیث، بیان نشده است.

در این زمینه نیز آیات متعددی، یادآور می‌شوند که صاحبان قدرت و ثروت، پیامبران را دروغ‌گو، افترازن، گمراه‌کننده، جادوگر، شاعر، مجنون، دیوانه، نادان و حتی دارای مقاصد سیاسی منفی و پنهان می‌خواندند تا شخصیت اجتماعی آنان را به عنوان راهبران نهضت فکری، اجتماعی و سیاسی مخالف خود، و در پی آن، درون‌مایه پیامشان را مخدوش سازند.<sup>۲۲</sup>

خداوند متعال، در سوره اعراف، فرموده است:

پس هنگامی که نیکی [و نعمت] به آنان روی می‌آورد، می‌گفتند: «این، برای [شایستگی] ماست» و چون گزندی به آنان می‌رسید، به موسی و همراهانش فال بد می‌زدند. آگاه باشید که [سرچشمه] بدشگونی آنان، تنها نزد خداست [که آنان را به سبب بدی اعمال‌شان، کیفر می‌دهد]؛ لیکن بیشترشان، نمی‌دانستند.<sup>۲۳</sup>

خداوند متعال این واقعیت اجتماعی را به صاحبان قدرت، نسبت می‌دهد. در این زمینه چنان که گفته شد، آیات متعددی یادآور می‌شوند که صاحبان قدرت و ثروت، پیامبران را دروغ‌گو، گمراه‌کننده، جادوگر، شاعر، مجنون، دیوانه، نادان و حتی دارای مقاصد سیاسی منفی و پنهان می‌خواندند تا شخصیت آنان را به عنوان رهبران نهضت فکری، اجتماعی و سیاسی مخالف خود و در پی آن، درون‌مایه پیام آنان را مخدوش سازند.

در تفسیر این آیه، بیان شده که اگر گزندی به خاندان فرعون می‌رسید، اطرافیان فرعون (صاحبان قدرت)، آن را به موسی و یاران او نسبت می‌دادند و آنان را مایه فلاکت و بدبختی معرفی می‌کردند.<sup>۲۴</sup> بر این اساس، موسی و یارانش باعث ناکامی جامعه معرفی می‌شدند و به همین دلیل، کجرو به حساب می‌آمدند.<sup>۲۵</sup> پس روشن می‌شود که اطرافیان فرعون، صاحبان قدرت و مکننت در میان قوم خود بودند و آنان که تعیین می‌کردند چه کسی کجرو است. پس این که صاحبان قدرت، نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین کجرو دارند، به روشنی در این آیه، بیان شده است.

تحلیل‌های قرآن کریم، بیان فریب‌کاری‌های صاحبان غیرالهی قدرت در هدایت توده‌هاست که به دوگونه صورت می‌پذیرد: ۱. عرضه ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب خود

۲۲. گزاره‌های دینی و طبیعت اجتماعی کجروی، ص ۱۴۱.

۲۳. سوره اعراف، آیه ۱۳۱.

۲۴. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۳۱۳-۳۱۶.

۲۵. گزاره‌های دین و طبیعت اجتماعی کجروی، ص ۱۴۳.

در قالب نظام ارزشی و هنجاری مسلط؛ ۲. توسل به این نظام خودساخته برای آن که آموزه‌ها و حرکت‌های مخالف را غیر همسو با جامعه معرفی کنند.<sup>۲۶</sup>

خداوند، در آیه ۲۷ سوره زخرف، خطاب به پیامبر خدا می‌فرماید:

و بدین‌گونه، در هیچ شهری پیش از تو، هشداردهنده‌ای را نفرستادیم مگر آن که خوش‌گذرانان آنان گفتند: «ما پدران خود را بر آیینی یافته‌ایم و ما از پی ایشان راه سپاریم.»

در همین زمینه، خداوند در آیه ۶ سوره ص، می‌فرماید:

اشرافشان به راه افتادند که: بروید و در حمایت خدایان، پایداری کنید. این، چیزی است که خواسته شده.

خداوند در این آیه، از اولین برخوردهای بزرگان قریش با رسالت پیامبر خبر می‌دهد که مردم را به پایداری در حمایت از خدایانشان برمی‌انگیختند و دلیل می‌آوردند که این، رفتار مطلوب اجتماعی و همانی است که از افراد جامعه، خواسته شده است.

خداوند در آیه بعدی همین سوره، این سخن بزرگان قریش را نیز آورده است که گفتند: ما چنین چیزی را از آخرین ملت نشنیده‌ایم. این فقط دینی ساختگی است.

آنان همسو بودن آموزه‌های اسلام با دیگر ادیان معاصر خود را نفی می‌کردند و اسلام را دینی ساختگی می‌شمردند.<sup>۲۷</sup> همچنین خداوند در سوره مؤمنون فرموده است:

و اشراف قومش که کافر بودند، گفتند: ... از پدران پیشین خود، چنین [چیزی] نشنیده‌ایم.<sup>۲۸</sup>

و همچنین در سوره قصص می‌فرماید:

پس چون موسی، آیات روشن ما را برای آنان آورد، گفتند: ... از پدران پیشین خود، چنین [چیزی] نشنیده‌ایم.

قرآن کریم، بدین وسیله از ترفندهای مشابه اشراف قوم نوح و موسی خبر داده‌اند<sup>۲۹</sup> و این که آنان، هنگام برخورد با آیین این دو پیامبر، می‌گفتند: «ما از پدران خود، چنین چیزی نشنیده‌ایم». در سوره ابراهیم، آمده است:

و چون آیات تابناک ما بر آنان خوانده می‌شود، می‌گویند: این، جز مردی نیست که می‌واهد شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند، باز دارد.<sup>۳۰</sup>

و در سوره سبأ نیز، درباره مواجهه کافران با پیامبران الهی آمده است:

... گفتند شما جز بشری مانند ما نیستید. می‌خواهید ما را از آنچه پدرانمان

۲۶. همان، ص ۱۴۰.

۲۷. همان، ص ۱۴۱.

۲۸. سوره مؤمنون، آیه ۲۴.

۲۹. همان.

۳۰. سوره ابراهیم، آیه ۱۰.

می‌پرستیدند، باز دارید.<sup>۳۱</sup>

این آیات، توجه می‌دهد که مخالفان آموزه‌ها و حرکت‌های اصلاحی پیامبران، آنان را مخالف با نظام ارزشی و هنجاری موجود و در صدد براندازی آن، معرفی می‌کردند. در آیه دیگری، در نقل سخنان اطرافیان فرعون به موسی - که به همراه برادر بزرگوارش هارون، به سوی آنان آمده بود - آمده است:

گفتند: آیا به سوی ما آمده‌ای تا ما را از شیوه‌ای که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم، بازگردانی، و بزرگی در این سرزمین، برای شما دو تن باشد؟...<sup>۳۲، ۳۳</sup>

## ۲. آثار روانی برجسب‌زنی

### ۲-۱. فشارهای روانی

از نکاتی که دیدگاه‌های برجسب‌زنی به آن اشاره دارند، آثار و فشارهای روانی‌ای است که بر فرد کجرو، وارد می‌آید. «در واقع می‌توان گفت دیدگاه برجسب‌زنی به آثار وارد آمدن برجسب بر روند رشد و تحل روانی و اجتماعی مجرمان اشاره دارد».<sup>۳۴</sup>

برای توضیح بیشتر این مطلب باید به دو نظریه «نیازهای اساسی» و «تعارض شناختی» توجه کنیم. در نظریه نیازهای اساسی، یکی از نیازهای فرد را نیاز به احترام<sup>۳۵</sup> برمی‌شمارند. بر اساس این نظریه، فرد، نیازمند آن است که هم خود به خویشتن احترام بگذارد (عزت نفس)، و هم این تأیید و احترام را از دیگران نیز ببیند.<sup>۳۶</sup> زمانی که فرد، برجسب می‌خورد، تحت فشار قرار می‌گیرد که برایش بسیار ناخوشایند است. در حقیقت نیاز به احترام از نیازهای اساسی است که هر فرد به آن توجه دارد و اگر این نیاز برآورده نشود، بحث فشار روانی برای فرد می‌شود.

در «نظریه تعارض شناختی» نیز به همین نکته اشاره شده است که فرد نیاز به ارزش‌مند بودن در جامعه دارد و زمانی که برجسبی بر او می‌خورد، او از طرف جامعه تحت فشار قرار می‌گیرد و در درون خویش نیز خود را شایسته احترام می‌بیند (که در هر انسانی به صورت غریزی وجود دارد). در این صورت، او بین این دو شناخت؛ شناخت خود از خویش و شناختی که جامعه با برجسب‌زدن به او دارد، تعارض پیدا می‌کند و باعث فشار روانی می‌شود.

نظریه‌پردازان برجسب‌زنی بر این باورند که دار و دسته نوجوانان کجرو با برجسب‌زنی، پای‌بندی فرد را به گروه، تقویت می‌کنند و در این صورت، فرد برجسب‌خورده، تحت فشارهای روانی قرار می‌گیرد و از طرفی، وقتی کسی کجرو پنداشته شد، جامعه، همه اعمال (حتی رفتارهای متعارف) و ویژگی‌های او را با بدبینی

۳۱. سوره سبأ، آیه ۴۳.

۳۲. سوره یونس، آیه ۷۸.

۳۳. گزاره‌های دینی و طبیعت اجتماعی کجروی، ص ۱۴۱-۱۴۳.

۳۴. جرم و جرم‌شناسی، ص ۱۸۶.

35. need for esteem.

۳۶. جامعه‌شناسی کجروی، ص ۳۱۷.



می‌نگرد و این خود، عامل و باعث وارد شدن فشارهای روانی بر فرد می‌شود.<sup>۳۷</sup> با توجه به این نظریه، زمانی که به فردی برچسب زده می‌شود، دچار دو شناخت متعارض از خویش می‌گردد: اول، شناختی که خود فرد از خودش دارد؛ و دیگری، شناختی که دیگران به او نسبت داده‌اند، و این دو با هم در تعارض است و سبب ایجاد فشارهای روانی برای فرد برچسب خورده می‌شود.

این مضمون، در حدیثی از امام صادق بیان شده است. امام در کلام نورانی خود بر تقویت روحیه یکی از یاران خود به نام ابوبصیر - که از فشار روانی برچسب‌های روانی واردآمده بر شیعیان گله می‌کرد - پرداخته است. در این حدیث - که محمد بن سلیمان، از پدرش نقل کرده - می‌خوانیم:

نزد امام صادق بودم زمانی که ابوبصیر بر امام وارد شد... گفتم: فدایت شوم! همانا ما را ملقب به القابی کرده‌اند که کمر ما به سبب آنها، شکسته و ما به واسطه آن القاب، دل مرده شده‌ایم و زمامداران نیز به سبب همین القاب (که بر ما گذشته شده)، به دلیل آنچه فقیهان آنها برایشان روایت کرده‌اند، ریختن خون ما را حلال می‌دانند. امام صادق فرمود: «آیا (نسبت دادن شما به) رافضی را می‌گوی؟». گفتم: آری. فرمود: «نه. به خدا سوگند! آنها شما را به این نام نخوانده‌اند؛ بلکه خدا، شما را چنین نامیده است! ای ابا محمد، آیا نمی‌دانی که هفتاد مرد از بنی‌اسرائیل، آن گاه که گم‌راهی فرعون و قومش برایشان ثابت شد، آنها پس به موسی پیوستند و سپس، هدایت شدند؟... پس در لشکر موسی، به خاطر این که فرعون را رها کرده بودند، رافضه نامیده شدند و این هفتاد نفر، از جهت عبادت و شدت دوست داشتن موسی و هارون و فرزندان آنها، در لشکر موسی، بالاترین درجه را داشتند...»<sup>۳۸</sup>

ابتدا لازم است به این نکته اشاره شود که واژه «نبز» به معنای لقب، آمده است. در *مرآة العقول*، آمده است:

قوله «وقد نبزنا نبزا»؛ النبز، بالتحریک: اللقب، و النبز بالتسکین المصدر. يقال: نبزه و نبزه نبزا أي لقبه.<sup>۳۹</sup>

در *لسان العرب* «نبز» را به معنای لقبی که ملقب بدان، از آن کراهت داشته باشد، بیان شده است.<sup>۴۰</sup> با این تفسیر و با توجه به این که ریشه این لغت در کلام عرب، به معنای گندن پوست درخت خرما از آن است،<sup>۴۱</sup> می‌توان دریافت که به وجود فشار در معنای لغوی نبز، اشاره شده است.

همان گونه که در حدیث یاد شده، ابوبصیر، به امام صادق از القاب ناروایی که به او

۳۷. جرم و جرم‌شناسی، ص ۱۹۶.

۳۸. الکافی، ج ۸، ص ۳۳ - ۳۶، ح ۶.

۳۹. مرآة العقول، ج ۲۵، ص ۷۹.

۴۰. لسان العرب، ج ۵، ص ۳۱۴.

۴۱. القاموس المحیط، ج ۲، ص ۱۹۳.

داده شده، شکایت کرده است و امام نیز در پاسخ، به تقویت روحیه او پرداخته است. در ضمن، در حدیث، به فرهنگی بودن رفتار کجروانه نیز اشاره شده است. این که به پیروان امامان معصوم، رافضی می‌گفته‌اند؛ خود نشان از فرهنگی بودن آن دارد. رَفَض، در لغت به معنای «تَرَكَّ الشَّيْءُ؛ رها کردن چیزی»<sup>۴۲</sup> آمده است. به همین دلیل، به پیروان امامان رافضی می‌گفته‌اند؛ چرا که بر این عقیده بوده‌اند که آنان، سنت پیامبر را رها کرده‌اند و در آن زمان، شیعیان، زیر فشارهای روانی سختی به سر می‌بردند؛ برای مثال شیخ طوسی نیز به این موضوع، اشاره کرده است.<sup>۴۳</sup> این لقب، نشان از آن دارد که به گروهی خاص، به خاطر عقیده‌ای خاص، لقبی داده‌اند و این مضمون، به فرهنگی بودن آن نیز اشاره دارد؛ چون به نظر می‌رسد آن رفتاری که زمامداران عباسی و فقهای دینی دربار آنان - که سردمداران فرهنگی جامعه بوده‌اند - کجروی می‌دانند، در واقع، کجروی نبوده است؛ ولی از آنجا که با ایدئولوژی حاکمان آن دوره هماهنگ نبوده، با آن به مقابله می‌پرداختند که در مباحث آینده، به این مطلب اشاره خواهیم کرد.

## ۲ - ۲. ایجاد هویت کجروانه

در این زمینه، نظریه برجسب‌زنی، به دو نوع رفتار، اشاره دارد:  
 ۱. کجروی نخستین یا رفتارهایی که می‌توان آن را ناشی از بروز یافتن شخصیت واقعی فرد کجرو دانست (رفتاری که از کجرو، سر زده است)<sup>۴۴</sup>؛

۲. کجروی دومین یا کجروی‌هایی که در پی واکنش جامعه در برابر کجروی نخستین و به عنوان پاسخی در برابر این واکنش، شکل می‌گیرد.<sup>۴۵</sup>

بخشی از این واکنش‌ها در کجروی دومین، برای فرد برجسب خورده، هویت کجروانه ایجاد خواهد کرد. در حقیقت، یکی از گونه‌های کجروی دومین، جایی است که فرد، هویت کجروانه را پذیرفته است. این هویت کجروانه، فرد را به رفتار کجروانه، سوق می‌دهد. «این عمل باعث [تقویت کجروی] می‌شود. "Deviancy amplification" یا "amplification of deviance" نخستین بار، ویلکینز، و بلیکینز، این اصلاح را ابداع کرد. وی بدین وسیله، به وضعیتی اشاره می‌کند که در آن، واکنش‌های اجتماعی انجام یافته، در برابر کجروی، در عمل، به فزونی یافتن موارد وقوع آن می‌انجامد».<sup>۴۶</sup>

نظریه‌پردازان برجسب‌زنی معتقدند که شخصیت اجتماعی فرد در فرآیند برجسب خوردن، واژگون شده و بر مبنای رفتار دیگران نسبت به او و نظر فرد درباره تصوراتی که دیگران از او دارند، شکل می‌گیرد و این هویت است که رفتار او را به جهت معینی هدایت می‌کند. بر این اساس که نظریه برجسب‌زنی به این نتیجه می‌رسد که فرد را آگاهانه یا ناخودآگاه، به تعریفی دوباره از خود، وا می‌دارد و سبب می‌شود که او، بر اساس نقش جدیدی که جامعه برای او قائل شده، ذهنیتی جدید نسبت به خود ایجاد کند. این ذهنیت

۴۲. لسان العرب، ج ۷، ص ۱۵۶.

۴۳. الجمل والعقود فی العبادات، ص ۵ و ۸.

44. Actual behavior.

۴۵. ... Lemert, Edwon M. (1951). Social: Wrightsman, L.S. et.al (1998). Psychology and... به نقل از:

جامعه‌شناسی کجروی، ص ۴۲۶.

۴۶. همان، ص ۴۲۷.

جدید، شخصیت فرد را از نو می‌سازد.<sup>۴۷</sup> در احادیث نیز به این مضمون اشاره شده است که برخی از آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. امام علی، درباره چگونگی رفتار با همسر خویش، فرموده است: ... برحذر باشید از این که در غیر جایی که باید غیرت به خرج داد، اضهار غیرت کنی؛ چرا (که نشانه سوء ظن تو نسبت به اوست و) این بی‌اعتمادی و سوء ظن، زنان را به ناپاکی، و بی‌گناهان را به سوی آلودگی، فرا می‌خواند.<sup>۴۸، ۴۹</sup>

آقا جمال خوانساری، در ترجمه و شرح این بخش از سخنان امیر مؤمنان، آورده است: بر توست دوری از غیرت ورزیدن در غیر جای آن. پس به درستی که این، می‌خواند نفس تندرست را به سوی بیماری، و نفس فارغ را به سوی قلیق و اضطراب. یعنی: دوری کن از غیرت ورزیدن بی‌جا که از راه تعصب باشد... زیرا این، باعث می‌شود نفس تن‌درست، بیمار شود. پس همیشه باید در رنج و سختی باشد، و مراد به «بیماری (سقم)» ممکن است همان رنج و تعب باشد یا بیماری‌ای باشد که به سبب رنج و تعب و غصه و غم، در اکثر اوقات، عارض شود یا بیماری روانی و هلاکت اخروی باشد که بر چنین تعصب و غیرتی، مترتب شود و نفس فارغ را به سوی قلق و اضطراب کشاند، یعنی چنین غیرت‌هایی، باعث این شود که نفس جدای از اضطراب، برای سعی در تلافی و تدارک آنها، همیشه در اضطراب افتد.<sup>۵۰</sup>

در حدیث دیگری از پیامبر خدا آمده است: زمامدار، هر گاه بدگمانی‌های خود را میان مردم دنبال کند، آنها را به فساد خواهد کشاند.

صاحب الترمذی، در شرح این حدیث، می‌گوید: یعنی هر گاه زمامدار در پی شک‌های خود نسبت به افراد برود، آنان را بر انجام دادن گناه، گستاخ می‌نماید و باب جرم و جنایت را به رویشان می‌گشاید.<sup>۵۱، ۵۲</sup>

در توضیح این حدیث، آمده است: هنگامی که [زمامدار] مردم را به سبب بدگمانی‌ای که به آنها دارد، متهم کند و این بدگمانی را در میان آنان، آشکار کند، این کار، مردم را به سوی انجام دادن آن

۴۷. آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۱۰۷؛ مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ص ۱۹۱؛ جامعه‌شناسی گیدنز، ص ۱۴۳-۱۴۴؛ به نقل از همان، ص ۲۰۷.

۴۸. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۴۹. ترجمه گویا، ج ۳، ص ۸۶.

۵۰. شرح غررالحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۳۰۳.

۵۱. میزان الحکمة، ج ۹، ص ۱۴۷۰۶؛ به نقل از: الترمذی و الترمذی، ج ۳، ص ۲۴۱، ح ۱۳.

۵۲. ابتهی الریبه: طلب الشکوک. کوقعهم فی الضلال، معناه: الحاکم إن أدخل الأوهام والظنون السيئة على قومه، جزأهم على الفسوق وفتح لهم باب الإضرار والإجرام (پانوش: الترمذی و الترمذی، به نقل از میزان الحکمة).

گمان بد می‌کشاند و آنها را فاسد می‌کند.<sup>۵۲</sup>

این حدیث نیز در ادامه توضیحاتی که درباره حدیث اول بیان شد، قرار دارد. در این حدیث، پیامبر خدا فرموده است که اگر امیر یا فرمانده - که صاحبان قدرت در جامعه به شمار می‌آیند - در پی شک خود در میان مردم باشند، مردم را به فساد می‌کشانند. در کتاب‌های لغت نیز «الریبه» را شکی که همراه با تهمت باشد، معنا کرده‌اند. در حقیقت، تفاوت میان «الریبه» و «الشک» را در همین می‌دانند که الریبه شک همراه با تهمت است.<sup>۵۴</sup>

در حدیث دیگری از امام علی نیز این مضمون بدین صورت آمده است که:  
هر کس بر سر زبان‌ها بیفتد، نابود می‌شود.<sup>۵۵</sup>

در کتاب‌های لغت «هَلْک» به معنای شکستن و فروافتادن، معنا شده است که دلالت عالم دارد و هم شامل شخصیت اجتماعی افراد می‌شود - که در مباحث بعد به آن اشاره می‌کنیم - ، و هم باعث در هم شکستن شخصیت و روحیه روانی افراد می‌شود.<sup>۵۶</sup> در حدیث نقل شده نیز فشارهای روانی‌ای که بر فرد می‌آید و به جنبه‌های آن، اشاره شده است. در مجموع، حدیث‌های بالا می‌توانند به شکلی بیان‌گر ایجاد هویت کجروانه در اثر برجسب باشند؛ چون هیچ‌کدام از حدیث‌ها به تنهایی این دلالت قوی را ندارند.

### ۳. آثار اجتماعی برجسب‌زدن

یکی از مهم‌ترین قلمروهای تحلیل نظریه برجسب‌زنی، آثار اجتماعی آن است که در ذیل عنوان‌هایی بیان می‌شود:

#### ۱ - ۳. از بین رفتن شخصیت اجتماعی فرد برجسب‌خورده

«نظریه برجسب‌زنی، از جمله نظریاتی است که به آثار اجتماعی برجسب‌زدن اشاره کرده است. در این نظریه، تکیه عمده بر نوع خاص از انواع کجروی است که «کجروی دومین» نامیده می‌شود و به دنبال مواجه شدن فرد با واکنش منفی جامعه و اجرای «مراسم بدننامی»<sup>۵۷</sup>، شخصیت اجتماعی او از بین می‌رود».<sup>۵۸</sup>

عنوان کجروی دومین، داغ بدننامی «بز هکار» را بر مرتکبان بری رفتارهای خلاف

۵۲. إذا اتهمهم و جاهرهم بسوء الظن فیهم، ادا هم ذلک الی ارتکاب ما ظن بهم، ففسدوا... (النهایه فی غریب الحدیث، ج ۲، ص ۲۸۶؛ لسان العرب، ج ۱، ص ۴۴۲).

۵۴. الحاشیه علی الکشاف، ص ۱۱۳؛ الفروق اللغویه، ص ۲۶۴.

۵۵. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱، ج ۷۰.

۵۶. معجم مقاییس، ج ۶، ص ۶۲؛ مطالب السوول فی مناقب آل الرسول، ص ۳۷۸؛ الفصول المهمة، ج ۱ ص ۵۵۷.

۵۷. «degradation ceremony»؛ از این مفهوم با تعبیر «مراسم بی‌آبرویی» یاد می‌شود؛ جامعه‌شناسی کجروی، ص ۴۲۶.

۵۸. همان، ص ۲۰۶.

هنجار می‌زند.<sup>۵۹</sup> یکی از معیارهای سنجش کجروی دومین، آن است که کجروانه بودن رفتار فرد را «دیگران مهم»، اعلام و آشکار می‌کنند. در پی این اعلام، خطاکاران، مشمول اجرای مراسمی می‌شوند که هارولد گارفینکل، آن را «مراسم بدنامی» می‌نامند. در این مراسم، کجروها، سرزنش و گناه مجازات می‌شوند و پس از آن، پیوسته با برچسب ابله، بدکار یا بدکاره، غیرعادی، کلاهبردار، معتاد به مواد مخدر و مانند آن رو به رو می‌شوند و جامعه در برابر همه رفتار هاشان، بر حسب همین برچسب‌ها، واکنش نشان می‌دهد.<sup>۶۰</sup>

این مضمون، در برخی احادیث نیز مورد توجه قرار گرفت است. محمد بن فضیل گوید: در باره یکی از دوستانم به من خبری رسید که دل‌خواه من نبود. من از خودش پرسیدم. با این که افراد موثقی آن را از وی نقل کرده بودند، منکر آن شد. درباره او از امام کاظم سوال کردم، ایشان در پاسخ من فرمود: «ای محمد، مبادا چیزی را علیه او پخش کنی که او را زشت گرداند و اعتبارش را از بین ببرد. در این صورت تو از کسانی خواهی بود که خداوند در کتابش درباره آنها فرموده: راستی، آن کسانی که دوست دارند که زشتی و منکر در میان مؤمنان آشکار شود، برای آنها عذابی دردناکی است».<sup>۶۱</sup>

در این حدیث، به این نکته اشاره شده است که با گفتن سخن نابه‌جا درباره فرد اعتبار و شخصیت اجتماعی او از بین می‌رود. و به همین سبب، جایگاه اجتماعی فرد کجرو در بین مردم، از میان رفته است. همان‌گونه که بیان شد، در نظریه برچسب‌زنی نیز به این نکته اشاره شده است که فرد برچسب‌خورده، شخصیت اجتماعی‌اش از بین خواهد رفت و به همین سبب، برگشتن او به دامن جامعه بسیار سخت به نظر می‌رسد. در حدیث دیگری از امام صادق نیز به این مضمون، اشاره شده است:

مَنْ رَوَى عَلَى مُؤْمِنٍ رَوَايَةً يَرِيدُ بِهَا شَيْنَهُ وَ هَدَمَ مَرْوَةَ تَهْ لَيْسَتْ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ أُخْرَجَهُ  
اللَّهُ مِنْ وَكَايَتِهِ إِلَى وَكَايَةِ الشَّيْطَانِ فَلَا يَقْبَلُهُ الشَّيْطَانُ.<sup>۶۲</sup>

مفضل بن عمر می‌گوید: حضرت صادق به من فرمود: «هر مطلبی را علیه مؤمنی بگویند، و قصدش از این کار، بردن آبرو و از بین بردن شخصیت اجتماعی او باشد، تا او را از چشم مردم ببندازد، خداوند، او را از ولایت خود به سوی ولایت شیطان بیرون می‌راند و شیطان هم او را نمی‌پذیرد».<sup>۶۳</sup>

این حدیث به کسانی اشاره دارد که قصدشان از بین بردن شخصی اجتماعی و زیر سؤال

۵۹. همان، ص ۲۰۷.

۶۰. سوره نور، آیه ۱۸.

۶۱. ترجمه و تفسیر *رهنما*، ذیل آیه ۱۹، سوره نور.

۶۲. *الکافی*، ج ۲، ص ۳۵۸.

۶۳. *امالی صدوق*، ترجمه کمره‌ای، ص ۴۸۶.

بردن اعتبار افراد باشد و این مضمون در نظریه برجسب‌زنی آمده است. در کتاب‌های لغت نیز «المروءة» به معنای شخصیت اجتماعی و اعتبار فرد، آمده است.<sup>۶۴</sup>

### ۲ - ۳. مشکل شدن تفاهم فرد برجسب‌خورده با جامعه

یکی دیگر از نکات مورد توجه در نظریه برجسب‌زنی، مشکل شدن تفاهم فرد برجسب‌خورده با جامعه است؛ بدین شکل که برجسب این نظریه، برجسب کجرو خوردن به یک فرد در میان مردم، «دو پیامد ناگوار عمده را برای او در پی دارد: نخست، دیگران، حتی به رفتارهای متعارف وی با بدبینی می‌نگرند و رفتارهای تفاوت و گاه نامناسبی را نسبت به او در پیش می‌گیرند و به اصطلاح، اصل را در ارزیابی رفتار وی بر فساد می‌گذارند».<sup>۶۵</sup> دوم، رفتاری متفاوت و گاه نامناسب را نسبت به او در پیش می‌گیرند.<sup>۶۶</sup> و فرد کجرو، احساس می‌کند که دیگر نمی‌تواند به جامعه، روی بیاورد و جامعه نیز او را نمی‌پذیرد. لذا نسبت به جامعه، بدبین می‌شود.

در حدیثی از امام علی می‌خوانیم:

هر کسی با مردم، چنان رفتار کند که خوش ندارند؛ [مردم] درباره او ندانسته سخن می‌گویند.<sup>۶۷</sup>

در حقیقت، این حدیث به جنبه مشکل شدن تفاهم فرد برجسب‌خورده با جامعه و همچنین، جامعه؛ چرا که جامعه بر اساس برجسبی که به او زده شده، دیگر حاضر به تفاهم با او و فهم او نیست. اما این، یک روی سکه است و از طرف دیگر، نگرش‌ها و طرز تلقی‌های آسیب‌سازان نیز در این فضای عدم تفاهم، نسبت به جامعه، متفاوت می‌شود و دیگر نمی‌تواند با جامعه، تفاهم برقرار کند.

در حدیثی دیگر، امام صادق می‌فرماید:

ریشخندکننده مردم، امید دوستی صمیمانه نداشته باشد.<sup>۶۸</sup>

امام سجاد نیز می‌فرماید:

هر کس مردم را به آنچه دارند، نسبت دهد، مردم به او آنچه را که ندارد نسبت می‌دهند.<sup>۶۹</sup>

در این دو حدیث نیز مانند حدیث نخست به تفاهم نداشتن جامعه با فرد کجرو و به عکس تفاهم نداشتن فرد کجرو با جامعه، اشاره دارد.

۶۴. مفردات غریب القرآن، ص ۴۶۶؛ لسان العرب، ج ۱، ص ۱۵۴.

۶۵. جامعه‌شناسی کجروی، ص ۴۲۷.

۶۶. همان، ص ۱۳۸، ۴۲۸.

۶۷. غررالحکم، ج ۵، ص ۳۷۹ و ج ۶، ص ۲۸۹؛ الغرر و العرر، ص ۶۹؛ منهاج البراعة، ج ۳، ص

۲۷۵؛ مجارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۵۱.

۶۸. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۱۶.

۶۹. همان، ج ۱۱، ص ۳۱۶.

#### ۴. مبانی تحلیل رفتار

##### ۱ - ۴. نقش ظرفیت‌ها در ارزیابی رفتار

یکی از نکات مهمی که نظریه‌پردازان برجسبزی به آن توجه کرده‌اند. نقش ذهنیات در ارزیابی دیگران است. نمونه این ارزیابی رفتار برداشتی است که دیگران در باره جوانان دارند. یک نمونه از این که جامعه ظرفیت‌های فردی را مدخلیت می‌دهد، برخوردی است که درباره جوانان دارد. برای توضیح این مطلب، باید اشاره شود که چون نوجوانان و جوانان در سنین شکل‌گیری و کمال‌یابی شخصیت خود هستند، این سبب می‌شود که جامعه، خود را «در تبیین نوع جرم‌ها و خطرهای ناشی از آن و در نتیجه، نوع مقابله با آنها، با پیچیدگی‌های متعددی، از جمله موارد زیر، مواجه ببیند و نسبت به آن، بیشتر حساب باشد»:

«به سبب اختلالات مربوط به بلوغ و تغییر ارزش‌های ناشی از تغییر سن، نوجوانان و جوانان، با شدت بیشتری در معرض ناکامی، تعارض در زندگی، احساس حقارت و... قرار دارند. مواردی که هر یک، خود نوعی انگیزه و محرک کجروی هستند و آنان را با شدت بیشتر در معرض درگیر شدن در کجروی قرار می‌دهد؛ و این، آسیب‌سازان را آسیب‌سازانی (فعال) معرفی می‌کند».<sup>۷۰</sup>

قرار داشتن آنان در سنین جامعه‌پذیری، امکان اصلاح رفتار را در آنان، تقویت می‌کند و همین نکته، سبب می‌شود که جامعه، نوع برخورد با آنان را از نحوه مقابله با کجروان بزرگسال، متمایز می‌سازد و وظیفه ابتدایی خویش را فراهم آوردن زمینه کامل‌شدن جامعه‌پذیری در این افراد می‌بیند و بر همین اساس، از برخورد کنترلی محض اجتناب کرده، به گونه‌ای عمل می‌کند که «راه بازگشت برای بزه‌کاران جوان، باز باشد و آنها به مجرمان حرفه‌ای، بدل نشوند».<sup>۷۱</sup>

علامه طباطبایی نیز به نقش ذهنیات در ارزیابی رفتار افراد، اشاره دارد. ایشان، از گونه‌ها یا مراتب چهارگانه «ذنب (گناه)» یاد کرده و سپس، در تحلیل آداب و رسوم، به دو نکته اشاره می‌کند:

جامعه، سرپیچی از آنها را در شرایطی خاص، کجروی و سرزنش‌پذیر می‌داند. این شرایط، از جمله عبارت‌اند از این که جامعه، سرپیچی کنندگان را با آن هنجارها و مقتضیات آن بستری‌های اجتماعی، آشنا بداند؛ و این که در ظرف وجودی ایشان، توان درک آن هنجارها و ضرورت عمل به آنها را ببیند. دو مثال مورد توجه در سخن ایشان، به ترتیب، دو محور پیش‌گفته را توضیح می‌دهند. مثال نخست به اعضای قبیله‌های بدوی و عشایرنشینان، اشاره دارد که در بستری متفاوت، با سطح متوسط زندگی شهرنشینی زیسته‌اند و فقط در صورت نقض انواعی از هنجارهای این زندگی - که مجال و توان فهم آنها را دارند - قابل سرزنش‌اند.<sup>۷۲</sup>

۷۰. جامعه‌شناسی کجروی، ص ۲۲۰.

۷۱. در خصوص نکات فوق، ر. ک: آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۱۷۰؛ مبانی جامعه‌شناسی، ص ۲۲۵ (به نقل از جامعه‌شناسی کجروی، ص ۲۲۱).

۷۲. میزان، ج ۶، ص ۳۵۹، ۳۶۳؛ به نقل از: گزاره‌های دینی و طبیعت اجتماعی کجروی، ص ۱۵۲.

از جمله نمونه‌های متعدد پذیرفته بودن این رویکرد در آموزه‌های اسلامی را می‌توان در آیات ۳۰ تا ۳۲ سوره احزاب دید که همسران رسول گرامی اسلام را مخاطب ساخته، به ترتیب، مجازات زشتکاری و پاداش کارهای شایسته‌شان را دوچندان می‌دانند و سپس، یادآور می‌شوند که اگر پرهیز پیشه کنند، هیچ زنی همانند ایشان نخواهد بود. مفسران، در تحلیل این سخن، یادآور شده‌اند که آنان، به سبب نزدیکی به پیامبر، منزلتی والاتر و خطیرتر دارند و به دلایل زیر، انتظار می‌رود که نکاتی دقیق‌تر و ظریف‌تر را رعایت کنند: این که از نعمت مشاهده و انس با خلق نیکوی ایشان و مشاهده نزول وحی و کسب مستقیم معارف آن برخوردار بوده‌اند؛ این که عملشان در تعامل و نسبت مستقیم با شخص پیامبر خدا است؛ این که به سبب این نزدیکی، الگویی برای مردم‌اند.<sup>۷۳</sup> این تعلیل، در سخنان معصومان، خطاب به برخی یاران خاص و شیعیان خود هم آمده است. از جمله در نمونه‌ای از این موارد، امام صادق به نواده یکی از غلامان پیامبر خدا که به شرابخواری آلوده بود، چنین تأکید می‌کند:

إن الحسن من كل أحد حسن و إنه منك أحسن، لمكانك منا و إن القبيح من كل أحد قبيح و إنه لمنك أقبح، [لمكانك منا]؛<sup>۷۴</sup>

نیکویی، از همه نیکوست و به درستی که از تو نیکوتر است؛ چون به ما منتسبی. زشتکاری نیز از همه کس، زشت است؛ اما از تو زشت‌تر است؛ چون به ما منتسبی.<sup>۷۵</sup>

ایشان در اینجا به این موضوع اشاره دارند که نزدیکی و قرابت افراد با این خاندان کارهای خوب و پسندیده‌ای را که افراد انجام می‌دهند را پسندیدم‌تر و کارهای زشت و ناپسندیده‌تر را زشت‌تر ناپسندیده‌تر به حساب می‌آید.

در حدیث دیگری نیز به این تفاوت، توجه ویژه شده و آمده است که افراد از ظرفیت‌های ویژه‌ای برخوردارند و این تفاوت ظرفیت‌ها، منجر به این می‌شود که انسان، دقت کند که به سادگی کسی را ملامت نکند.<sup>۷۶</sup>

علامه مجلسی در توضیح این گونه سرزنش نکردن آورده است:

هیچ کس دیگری را سرزنش نکند، به دلیل این که مطالب دقیق را نمی‌فهمد یا از بعضی معارف، کم‌فهمی دارد یا در به دست آوردن فضایل و اخلاق حسنه، توانایی ندارد و نمازهای نافله و سایر مستحبات را ترک می‌کند... به درستی که خداوند، بر مردم، اگر به اندازه ظرفیت آنها تکلیف نکرده و نه در انجام دادن گناهان و نه در ترک واجبات مجبور نیستند؛ اما ممکن است که در توان بعضی از آنها، معرفت امور

۷۳. احکام قرآن، ج ۵، ص ۲۲۸ - ۲۲۹؛ التبیان، ج ۸، ص ۳۳۴ - ۳۳۵؛ المناقب، ج ۲، ص ۱۱۶، به نقل از: گزارش‌های دینی و طبیعت کجروی، ص ۱۵۳.

۷۴. المناقب، ج ۴، ص ۲۳۶؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۲۰۵. عبارت درون کرشه در روایات المناقب وجود ندارد.

۷۵. المیزان، ج ۶، ص ۳۵۹، ۳۶۳، به نقل از: گزارش‌های دینی و طبیعت اجتماعی کجروی، ص ۱۵۳.

۷۶. اصول الکافی، ج ۲، ص ۷۴.



دقیق و اسرار ژرف نباشد. پس در این صورت، به این امور، تکلیف نمی‌شوند. همچنین در به دست آوردن بعضی از مراتب اخلاص و یقین و غیر این مراتب، از مکارم و اخلاق، مورد سرزنش نیستند. پس تکالیف نسبت به بندگان، مختلف است و یا به اندازه اختلاف قابلیت‌ها و استعدادها آنها و سزاوار نیست کسی که قابلیت و مرتبه‌ای را ندارد، مورد ملامت واقع شود که: چرا این مرتبه را درک نمی‌کنی و برای مثال نمی‌توانی آن گونه که امیر مؤمنان علی نماز می‌خواند، نماز بخوانی.

پس در این حدیث، به ظرفیت‌های افراد در فهم ارزش‌ها و پای‌بند ماندن به هنجارهای متکی بر آن، توجه شده است و در نتیجه، به لزوم تفاوت برخورد‌های کنترلی بر این اساس نیز اشاره شده است که یکی از میانی روان‌شناختی دیدگاه برجسب‌زنی در پیشنهاد دادن فرایندهای «تغییر مسیر» و نظام کنترلی خاص کجروان است.

#### ۲ - ۴. طبیعت اثرپذیر، از قضاوت دیگران

در نظریه برجسب‌زنی، به این نکته اشاره می‌شود که افراد جامعه، طبیعتاً از قضاوت دیگران، اثرپذیر هستند. نظریه‌پردازان برجسب‌زنی معتقدند که قضاوت دیگران مهم، در شکل‌گیری شخصیت افراد، بسیار مهم و اساسی است، به نحوی که شکل‌دهی شخصیت آنان، به قضاوت‌های آنان (دیگران مهم) بستگی دارد.<sup>۷۷</sup>

«برای نمونه، چارلز هورتون کولی، در بحث (خودآیین‌های) می‌کوشد تا به عنوان عنصر مرکزی در شخصیت افراد، شخصیت فرد را آیین‌های قلمداد کند که تصویر شکل گرفته در درون آن، بازتاب اثرگذاری‌های اجتماع و افکار و قضاوت‌های دیگران در باره اوست. آیین‌های که هر فرد، چگونگی واکنش دیگران را نسبت به خود، در آن مشاهده می‌کند؛ برای مثال، از نحوه واکنش‌های مردم نسبت به خود می‌آموزد که زشت است یا زیبا، مشهور است، یا گمنام، محترم است یا فاقد احترام».<sup>۷۸</sup>

در کتاب‌های لغت حیا، عبارت از کنارگیری از فعل قبیح، به خاطر ترس از سرزنش است.<sup>۷۹</sup> و همچنین راغب اصفهانی نیز به همین مضمون اشاره کرده است.<sup>۸۰</sup> فرد بی‌حیا، برای حضور دیگران، هیچ ارزشی قایل نیست و نظارت آنان، او را از انجام دادن کار قبیح، باز نمی‌دارد، حیا یکی از مفاهیم اسلامی است که بر این طبیعت اثرپذیر، دلالت دارد. تعریف پیش‌گفته نشان می‌دهد که مفهوم حیا این نکته را می‌رساند که انسان به خاطر ترس از قضاوت دیگران برخی کارها را انجام نمی‌دهد.<sup>۸۱</sup>

#### ۵. علل و اهداف برجسب‌زنی

نظریه‌پردازان برجسب‌زنی، در پی آن‌اند که به چه دلیلی و با چه هدفی افراد در معرض برجسب خوردن قرار می‌گیرند. به نظر هاوارد بکر، خصوصیات کجرو، می‌تواند یکی از علل برجسب‌زنی به افراد باشد. بکر می‌گوید این گونه نیست که برجسب‌زدن، ناشی از خود رفتار باشد. گاهی جامعه به هر دلیل، به افرادی یا یکسری رفتارهای خاصی،

۷۷. آسایشناسی اجتماعی، ص ۵۷.

۷۸. نظام اجتماعی، ص ۱۲۴، ۱۳۴ و ۱۴۵، به نقل از: جامعه‌شناسی کجروی، ص ۴۱۶.

۷۹. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۶۱۱.

۸۰. مفردات فی غریب القرآن، ص ۱۴۰.

۸۱. توحید مفضل، ص ۱۰۳.

واکنش نشان می‌دهد. در حقیقت، گروه‌های ذی‌نفع، چون از افراد خاص یا رفتارهای خاصی خوششان نمی‌آید، به برخی افراد، برجسب می‌زنند.<sup>۸۲</sup>

«به نظر برخی محققان، این وضعیت، بدان سبب است که این نظریه، در اوضاع و احوال عاجز ماندن رویکرد پیشین (نظریه تضاد) از ارائه تبیینی جامع و فراگیر در باب کجروی، شکل گرفته است؛ عجزی که نوعی نومی‌دی را در خصوص کارآمد بودن انواع رویکردهای تبیینی موجود در باب کجروی، ایجاد کرده و زمینه را برای ایجاد تغییری اساسی در نوع نگاه به کجروی، آماده ساخته بود. این تغییر، خود را در قالب روی گرداندن از «علت کجروی» و روی آوردن به فهم این نکته نمایان ساخت که: چرا افراد در معرض «بزهکار نامیده شدن»، قرار می‌گیرند (یعنی موضع‌گیری نظریه برجسب‌زنی).<sup>۸۳</sup> اما این نظریه تا حد قابل‌توجهی به ورطه نسبی‌گرایی فرو افتاد و مدعی شد که هیچ رفتاری را نمی‌توان به خودی خود، اشتباه، انحراف و بد قلمداد کرد.»<sup>۸۴</sup>

در احادیث، به این مضمون به روشنی اشاره شده است. در حدیثی از امام صادق - که در صفحات گذشته نیز به آن اشاره شده - آمده است.<sup>۸۵</sup> در حدیث اشاره شده است که فرد علیه مؤمن مطلبی نقل می‌کند و قصدش از بین بردن اعتبار اجتماعی اوست. در حدیث دیگری از امام باقر آمده است:

کمترین چیزی که آدمی، بدان از ایمان به سوی کفر، خارج می‌شود این است که کسی برادر دینی‌ای بگیرد... پس لغزش‌ها و بدی‌های او را بشمارد تا روزی بر وی به سبب آنها سرکوفت بزند.<sup>۸۶، ۸۷</sup>

همان‌گونه که در حدیث اشاره شده است، فرد با کسی پیمان دینی می‌بندد و لغزش‌های او را می‌شمارد به این هدف که روزی به وی برجسب بزند.<sup>۸۸</sup>

همان‌گونه که در حدیث امام صادق خطاب به ابوبصیر، بدان اشاره شده است، برجسبی که به یاران امام زده شده بود، ابزار دست حاکمان و صاحبان قدرت قرار گرفته بود و با بهانه قرار دادن آن، ریختن خون شیعیان را حلال می‌شمردند. در حقیقت، حاکمان جور به دنبال این بودند که فقهایشان چنین برجسبی را به شیعیان بزنند تا آنان نیز به راحتی بتوانند ریختن خون آنها را حلال بشمارند.

## ۶. راه‌حل‌های کنترلی

نظریه برجسب‌زنی، با توجه «به راهکارهایی مانند تعدیل در پیش‌داوری‌های حاکمان و مجریان قوانین، در محورهایی تعریف کجروی، تعیین و گزینش کجروها و همچنین رفع

۸۲. جرم و جرم‌شناسی، ص ۱۹۴ - ۱۹۵.

83. *Psychology and ... Americas "Crime Sheley, J. F.* به نقل از Wrighsman, L. S., et. Al. 1998, p 124. (به نقل از: *جامعه‌شناسی کجروی*، ص ۴۲۳) (1985). *Problem*

۸۴. *آسیب‌شناسی اجتماعی*، ص ۱۰۶؛ *جامعه‌شناسی انحرافات*، ص ۲۶، به نقل از همان، ص ۴۲۳ - ۴۲۴.

۸۵. *الکافی*، ج ۲، ص ۳۵۸.

۸۶. همان، ص ۳۵۴.

۸۷. *آداب معاشرت*، ترجمه مجارالانوار، ج ۲، ص ۳۴.

۸۸. *الکافی*، ج ۸، ص ۳۴.

محدودیت‌های اجرایی نهادهای اجرای قانون تلاش می‌کند». «این تدبیرها در قالب راهبرد کلی (تغییر مسیر)<sup>۸۹</sup> و سیاست‌های مهم ناشی از آن، از جمله برچسب‌زدایی<sup>۹۰</sup> رفع بدنامی<sup>۹۱</sup> جرم‌زدایی<sup>۹۲</sup> حبس‌زدایی<sup>۹۳</sup> عدم مداخله<sup>۹۴</sup> و سرانجام، در الگوها و برنامه‌هایی، مانند: قضای احیاگر<sup>۹۵</sup> و شرم بازگرداننده<sup>۹۶</sup> و همایش‌های گروهی خویشاوندان<sup>۹۷</sup> را در قلمرو سیاست‌گذاری کنترل کجروی، نمایان ساخته و پر بارترین کوشش‌ها در تبدیل مضمون‌های نظری این دیدگاه به مفاهیم سیاست اجتماعی را ادوین شور<sup>۹۸</sup> بر عهده داشته است»<sup>۹۹</sup>.  
در احادیث نیز به راحل‌هایی برای کنترل کجروی اشاره شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱ - ۶. پرهیز از مواضع برچسب خوردن

درباره این موضوع، امام علی فرموده است:

آبرویت را نشانه تیر گفتار، مگردان!<sup>۱۰۱</sup>

در حدیث دیگری، امام صادق فرموده است:

ما اهل بیت بر فرزندان خود، در خردسالی‌شان، کنیه نیکو می‌گذاریم. مبدا که نام‌های زشت بر آنان بگذارند.<sup>۱۰۲</sup>

احادیث یاد شده، ناظر بر این نکته هستند که فرهنگ‌سازی پرهیز از قرار گرفتن در مواضعی است که به انسان برچسب زده شود، از آموزه‌های دینی است که بر آن تأکید شده است.

در حدیث دیگری، امام علی می‌فرماید:

۸۹. معادل «diversion» است که با تعبیرهای «قضازدایی»، یا «تغییر مسیر کیفری» هم معادل‌گذاری شده است (ر. ک: *دانشنامه جرم‌شناسی*) به نقل از: *جامعه‌شناسی کجروی*، ص ۴۹۰.

90.delabelling  
91.decriminalization  
92.decriminalization  
93.decarceration  
94.non - intervention  
95.restorative justice

۹۶. «eintrigative shaming». این مضمون «شرم‌سازی یک پارچه‌گر» هم نامیده شده و برگرفته از: *نظریه‌های برچسب‌زدایی خرد فرهنگ، فرصت، همنشینی افتراقی و یادگیری اجتماعی* شمرده‌اند (*جرم‌شناسی نظری*، ص ۴۱۱ - ۴۱۳، به نقل از همان، ص ۴۹۰).

97.family group conferences

۹۸. دیدگاه‌های وی در این دو کتاب مطرح شده است: Englewood Crimes Without Victims: Deviant and public policy Schur, E(1965). Cliffs, N.J.: Prentice -Hall.  
*Radical Non - Intervention: Rethinking the Delinquency* Schur, E. (1973). Englewood Cliffs, N. J.: Prentice - Hall. Problem  
*Understandign* Downes, D. & P. Rock (1998) p.6-9 & 349 *Deviance*..

۹۹. همان، ص ۴۹۱.

۱۰۰. *نهج البلاغه*، نامه ۶۹.

۱۰۱. *الکافی*، ج ۶، ص ۱۹.

۱۰۲. *سنن النبی*، ص ۱۵۷.

کسی که خود را در مواضع تهمت قرار می‌دهد، نباید کسی را که به او سوء ظن پیدا می‌کند، سرزنش نماید.<sup>۱۴،۱۳</sup>

ابن میثم بحرانی، از شارحان نهج البلاغه، در توضیح این مطلب فرموده امام می‌گوید:

چرا که او خود، باعث شده تا به او گمان بد ببرند و سرزنش کسی که گمان بد به وی برده است، وجهی ندارد؛ زیرا بدگمانی او مستند به قرینه‌ای است که زمینه به وجود آمدن چنین گمانی است.<sup>۱۵</sup>

#### ۶-۱-۱-۱. تقیه

تقیه نهادی فرهنگی، سیاسی و فقهی است که در آموزه‌های شیعه، رسمیت یافته است و یکی از راهکارهای مهمی است که می‌توان آن را در پی «پرهیز از قرار گرفتن در مواضع برجسب خوردن»، ارزیابی کرد. شاهد این سخن نیز حدیث پیش‌گفته ابوبصیر از امام صادق است که ابوبصیر به امام عرض کردند، به خاطر برجسب‌های (رافضی بودن) خون‌مان را حلال کردند و شیعیان با این مشکل مواجه هستند، که در اینجا تقیه به عنوان یک اصل مسلم فقهی برای حفظ جان مطرح می‌شود. که از طرفی می‌توان آن را به منظور پرهیز از قرار گرفتن در موضع برجسب خوردن، ارزیابی کرد.

#### ۶-۱-۲. منع تجسس

یکی از راهکارهای کنترلی، منع تجسس در زندگی افراد جامعه و برجسب زدن به آنهاست که در برخی احادیث، به آن اشاره شده است. در حدیثی، امام صادق فرموده است: پست‌ترین چیزی که شخص به سبب آن، از ایمان خارج شده، به سوی کفر می‌رود، آن است که کسی دوستی کند... و لغزش‌ها و خطاهای او را بشمارد تا این که روزی، او را به سبب آنها نکوهش نماید.<sup>۱۶</sup>

این حدیث نیز می‌تواند ناظر به نوعی کنترل ارزشی باشد (بسیار نزدیک به کفر در صورت تجسس) و هم فرهنگ‌سازی برای منع تجسس است (با توجه به اشاعه مطلب به عنوان آموزه‌ای دینی). در جای دیگری، امام صادق، به این مضمون اشاره دارد. امام از پیامبر خدا نقل کرده که فرمود:

ای گروهی که به زبان، اسلام آورده و ایمان به دلش نرسیده مسلمانان را نکوهش نکنید و درباره عیب‌های آنان، جستجو نکنید؛ زیرا هر که عیب‌های آنها را جستجو کند، خداوند، عیب‌های او را دنبال می‌کند، و هر که خداوند، عیبش را دنبال کند،

۱۰۳. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۶.

۱۰۴. ترجمه گویا، ج ۳، ص ۲۷۴.

۱۰۵. شرح نهج البلاغه، ابن میثم، ج ۵، ص ۵۴۶.

۱۰۶. آداب معاشرت از دیدگاه معصومان، ص ۱۹۸.

رسوایش می‌کند، گرچه در خانه‌اش باشد<sup>۱۰۷-۱۰۸</sup>

این حدیث، ناظر به نوعی کنترل ارزشی است (این که بدانیم در صورت تجسس در زندگی دیگران، خودمان هم یقیناً مفتضح خواهیم شد). همچنین به فرهنگسازی برای منع تجسس در امور دیگران نیز اشاره دارد (با توجه به اشاعه مطلب به عنوان آموزه‌ای دینی).

### ۳- ۱- ۶. منع برچسب‌زنی

یکی از راهکارهای کنترلی، منع برچسب‌زنی در زندگی افراد جامعه و برچسب‌زدن به آنهاست که در برخی احادیث، به آن اشاره شده است. پیامبر خدا فرموده است:  
و هیچ یک از شما، احدی از خلق خدا را خوار و سبک نشمارد؛ زیرا که نمی‌تواند دوست خداند، کدام یک از آنان است<sup>۱۰۹</sup>!

این حدیث، بویژه در جمع با حدیث بعد، می‌تواند هم ناظر به نوعی کنترل ارزشی و عاطفی باشد؛ با این تذکر که هر آن، ممکن است به یکی از اولیای خدا، توهین کنیم، با اشاره به آثار سوء توهین به اولیای خدا، و هم فرهنگسازی در منع برچسب‌زنی است (با توجه به اشاعه مطلب به عنوان آموزه‌ای دینی).  
در حدیث بالا هم می‌تواند ناظر به نوعی کنترل ارزشی یا عاطفی باشد (خروج از ولایت خدا در صورت برچسب‌زنی)، و هم فرهنگسازی در منع برچسب‌زنی است (با توجه به اشاعه مطلب به عنوان آموزه‌ای دینی).

### ۲- ۶. فرهنگسازی مقابله با برچسب‌زنی

امام صادق، در حدیثی از پیامبر خدا نقل کرده که فرموده:  
کسی که آبروی برادر مسلمان خود را حفظ کند، یقیناً بهشت برای او واجب می‌شود.<sup>۱۱۱</sup>

دفاع از خدشه و اردشیدن به آبروی افراد و ترغیب افراد جامعه به این کار - که از حدیث، قابل استفاده است - در واقع، نوعی فرهنگسازی برای مقابله با برچسب‌هایی است که بر افراد جامعه زده می‌شود.

### ۱- ۲- ۶. تقویت برچسب‌خورده

یکی از راهکارهای کنترلی، تقویت شخص برچسب‌خورده است. در حدیثی که پیش‌تر آورده شد، امام درباره لقب‌هایی مانند رافضی مطالبی فرموده بودند، این مسأله، یعنی تقویت برچسب خورده، دیده می‌شود. در آخر آن حدیث، امام رو به سوال‌کننده می‌کند و می‌فرماید: ای ابا محمد، آیا از سخنان من، خوشحال شدی؟ او هم می‌گوید: آری. باز هم بفرمایید.

۱۰۷. الکافی، ج ۲، ص ۳۵۴.

۱۰۸. اصول الکافی، ج ۴، ص ۵۷.

۱۰۹. کنز القوائد، ج ۱، ص ۵۵.

۱۱۰. جهاد النفس، وسائل الشیعة، ص ۱۸۷.

۱۱۱. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۴۵.

همچنین در این حدیث، توجه دادن برجسب‌خورده به امتیازات فردی یا گروهی‌ای که دارد، ابزار مناسبی برای جلوگیری از درهم شکستن شخصیت او و وارد شدن دیگر فشارهای روانی ناشی از برجسب است. در روایت دیگری، امام صادق می‌فرماید: هر که تو را خوار می‌کند (و شخصیت تو را می‌کوبد)، خود را از برخورد با او، حفظ کن.<sup>۱۱۳</sup>

### ۱- ۲- ۶. توبه

توبه، یکی از راه‌کارهای کنترلی است که در منابع حدیثی ما بدان اشاره شده است. در حدیثی از امام باقر آمده است:

توبه‌کننده از گناه همانند کسی است که گناهی انجام نداده است<sup>۱۱۴</sup>.

همان‌گونه که در حدیث این بیان شده، کسی که توبه می‌کند، از کجروی‌ای که مرتکب شده، برکنار است، و امام می‌فرماید که فرد توبه‌کننده، پاک شود. همچنین، این حدیث، می‌تواند هم ناظر به آثار روانی توبه (جلوگیری از شکل گرفتن هویت کجروانه) و هم آثار اجتماعی آن (بازگرداندن منزلت اجتماعی برجسب‌خورده) باشد.

توضیح آثار روانی: این که فرد توبه می‌کند و از گناه پاک شده است. از نظر روانی در فرد اثری ایجاد می‌کند که باعث می‌شود او هویت کجروانه‌ای برای خویش نسازد، چون او با توبه دیگر کجروی مرتکب نشده است.

توضیح آثار اجتماعی: این که جامعه نیز با این پیش‌فرض که دیگر او کجروی‌ای انجام نداده است، با او برخورد مناسب با شخصیت‌اش انجام می‌دهد و منزلت اجتماعی از دست رفته او را به او باز می‌گرداند.

### ۳- ۲- ۶. توجه به ظرفیت روانی افراد کجرو در ارزیابی رفتارهاشان

یکی از مباحث مطرح شده در برجسب‌زدن به دیگران، توجه داشتن به ظرفیت‌های افراد است. در حدیثی از امام صادق، که در صفحات گذشته نیز ذیل بحث نقش ظرفیت‌ها در ارزیابی رفتار<sup>۱۱۵</sup> گذشت، به این مطلب اشاره شده است.<sup>۱۱۶</sup> اگر مردم بدانند که خداوند - تبارک و تعالی -، این مخلوقات را چگونه آفریده، هیچ‌کس، دیگری را سرزنش نمی‌کند.<sup>۱۱۷</sup> در این حدیث توجه به تفاوت ظرفیت‌های افراد شده است که اشاره دارد، در صورتی که افراد جامعه به این تفاوت‌ها توجه داشته باشند، دیگر به سرزنش هم نمی‌پردازند. علاوه بر آنچه در این حدیث بدان اشاره شده است که اگر مردم می‌دانستند که با هم تفاوت دارند، همدیگر را سرزنش نمی‌کردند. این نکته هم در حدیثی از امام صادق آمده است که مردم،

۱۱۲. مواظ الامان، ترجمه ج ۱۷ بحار الانوار، ص ۲۴۴.

۱۱۳. کافی، ج ۲، ص ۴۳۵.

۱۱۴. کافی، ترجمه مصطفوی، ج ۴، ص ۱۶۸.

۱۱۵. در صفحات ۷۹- ۸۳ همین نوشته.

۱۱۶. الکافی، ج ۲، ص ۴۴- ۴۵.

۱۱۷. اصول الکافی، ج ۳، ص ۷۴.

باید دست او را هم بگیرند. امام می‌فرماید:

ایمان، ده پله دارد و پله‌های آن، یکی یکی طی می‌شود. کسی که در پله دوم است، نباید به کسی که در پله اول است، بگوید: تو چیزی نیستی، تا برسد به پله دهم. پس تو حق نداری آن کسی را که در پله پایین‌تر از توست، بیندازی؛ چرا که بالاتر از تو، تو را خواهد انداخت. هر گاه دیدی کسی پایین‌تر از توست، با مدارا، او را بالا ببر و بر او چیزی که توانش را ندارد، تحمیل نکن، که او را می‌شکنی، و هر کسی که مؤمنی را بشکند، باید که ترمیم‌اش نماید.

در صورتی که به ظرفیت‌های افراد در فهم ارزش‌ها و پای‌بند ماندن به هنجارها توجه شود، که این مطلب در احادیث پیش‌گفته بیان شده است، می‌توان میان آن با فرایند تغییر مسیر - که در نظریه برچسب آمده است - پیوند برقرار کرد. به عبارت دیگر، ایمان یعنی باور قلبی به عقاید ماورایی و طبیعی که این باور هر چه مستحکم‌تر باشد، پای‌بند به هنجارهای دینی بیشتر و مستحکم‌تر است. این حدیث به این نکته اشاره دارد که فهم‌های افراد مختلف است و با توجه به این مسأله میزان پای‌بندی افراد جامعه نیز مختلف است و افراد جامعه نباید همدیگر را در میزان پای‌بندی سرزنش کنند.

#### ۴ - ۲ - ۶. نفی مجازات‌گرایی

یکی دیگر از راهکارهای کنترلی، در نظریه برچسب‌زنی، نفس مجازات‌گرایی است. این نظریه‌پردازان معتقدند که ابتدا باید علت‌های برچسب را از بین برد، سپس به مجازات پرداخت. در حقیقت آنان با دیدن آثار منفی مجازات‌گرایی به این نتیجه رسیدند که نفی مجازات‌گرایی کنند؛ ولی اسلام مجازات‌گرا نیست، یعنی اثبات جرم را سخت کرده است، ولی ما به این نکته اشاره می‌کنیم که نظریه‌پردازان برچسب‌زنی نیز به این نکته رسیده‌اند که باید به سراغ نفی مجازات‌گرایی بروند و اسلام از ابتدا به این نکته توجه داشته است. امام علی، در حدیثی درباره نهی از غیبت نمودن مردم به این مطلب، اشاره فرموده است:

سزوار است کسانی که از عیوب پاک‌اند، از آلودگی به گناهان سالم‌اند، نسبت به گناهکاران و اهل معصیت، دلسوزی نمایند<sup>۱۱۸، ۱۱۹</sup>.  
دلسوزی درباره اهل معصیت را می‌توان به عنوان نفی مجازات‌گرایی ارزیابی کرد.

#### ۵ - ۲ - ۶. فرهنگ سازی تساهل

امام علی در حدیثی - که پیش‌تر نیز آورده شد - فرموده است:  
از لغزش جوان‌مردان (و افراد با شخصیت) چشم‌پوشی کنید؛ چرا که هیچ یک از آنها نمی‌لغزد، مگر این که دست خدا در دست اوست و او را بلند می‌نماید<sup>۱۲۰، ۱۲۱</sup>.

۱۱۸. نهج البلاغه، کلام، ۱۴۰.

۱۱۹. ترجمه گویا و شرح فشرده‌ای بر نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۱۳ - ۱۱۵.

۱۲۰. نهج البلاغه، حکمت، ۲۰.

۱۲۱. ترجمه گویا، ج ۳، ص ۲۱۶.

این حدیث، می‌تواند ناظر به توجه دادن جامعه به این نکته باشد که لازم نیست با هر کجروی‌ای مقابله کنیم و این، یکی از ابعاد شایان توجه در فرهنگ‌سازی تساهل است. با توجه به نکته‌ای که ابن میثم در شرح حدیث آورده است و این که دست خدا در دست آنهاست و آنان را بلند می‌کند، این کنایه از وابستگی‌های آنان به خدا و جبران حال ایشان توسط اوست توضیح آن که جوان‌مردی، فضیلت بزرگی است که باعث جلب توجه مردم و میل قلبی و کمک آنان می‌گردد. بدین ترتیب، خطاکار جوان‌مرد، برای عنایت خدا، و همچنین به پا ساختن و جبران لغزش خود، آمادگی پیدا می‌کند.

### نتیجه

در این پژوهش با بررسی دیدگاه برجسب‌زنی و استخراج گزاره‌های این نظریه، به سؤالاتی دست یافتیم که آنها را به احادیث اهل بیت عرضه کرده و در پی پاسخ این پرسش‌ها در احادیث اهل بیت بودیم. همان‌گونه که ملاحظه شد، روش ما نیز در این تحقیق، تحلیل محتوای کیفی احادیث اهل بیت نه تنها به این محورها توجه داشته‌اند، بلکه برای آن پاسخ‌هایی نیز بیان فرموده‌اند. در حقیقت پاسخ این پرسش‌ها در دین وجود دارد. نکات مورد توجه در این پژوهش را در چهار بند بیان می‌کنیم: نگارنده در پایان‌نامه بر محورهای کلی نظریه برجسب‌زنی تأکید داشته و غرض از این تحقیق مقایسه‌سنجی میان نظریه برجسب‌زنی و احادیث اهل بیت نبود.

نکته دوم، که در پی نکته قبلی می‌توان بیان کرد، این است که ما در این پژوهش توجه داشتیم که تطابق کامل میان مبانی دینی و مبانی نظریه برجسب‌زنی وجود ندارد. مواردی از تحلیل محتوای احادیث که در پایان‌نامه ذکر شد، می‌تواند به نوعی به گزاره‌های برجسب اشاره داشته باشد. بنا بر این، با توجه به آموزه‌های دین، مهم‌ترین اشکالی که می‌توان به مبانی نظریه برجسب‌زنی وارد آورد، نسبییت اخلاقی موجود در این نظریه است به دلیل محدودیت‌هایی که در پایان‌نامه بود امکان نقد و بررسی تمام موارد وجود نداشت. نکته دیگر که در فصل چهارم نیز به آن اشاره شده است، این که احادیث اهل بیت در زمینه راهکارهای کنترلی بیشتر سخن گفته‌اند و جنبه پیش‌گیری بیشتر اشاره دارند تا تبیین و توضیح کجروی‌ها.

### کتابنامه

- آداب معاشرت از دیدگاه معصومین، محمد بن علی حر عاملی، ترجمه: محمدعلی فارابی و یعقوب عباس علی کمره‌ای، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش.
- آداب معاشرت در اسلام، ترجمه و شرح الاربیعین، محمدحسین جلالی، ترجمه و تحقیق: جواد بیات، و محمد آذربایجانی، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
- آسیب‌شناسی اجتماعی: جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، رحمت‌الله سروسنایی، تهران: آن، ۱۳۸۳ ش.
- آسیب‌شناسی اجتماعی: جامعه‌شناسی انحرافات، رحمت‌الله صدیق سروسنایی، تهران: ۱۳۸۳ ش.



- الإحتجاج، احمد بن علی طبرسی، مؤسسة الأعلمی، مؤسسة اهل البيت، ۱۴۱۰ ق.
- احکام القرآن، محمدصادق قمحاوی، احمد بن علی جصاص، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
- إرشاد القلوب إلى الصواب: نصائح و مواعظ از آیات قرآن و اخبار و احادیث نبویه و آثار ائمه حسن بن محمد، دیلمی، تهران: کتابفروشی بوذر جهرمی (مصطفوی)، ۱۳۷۳ ش.
- اصل و فنون پژوهش در گستره دین‌پژوهی، احد فرامرز قراملکی، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰ ش.
- امالی الصدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی، بیروت: مؤسسة الأعلمی المطبوعات، ۱۴۱۰ ق.
- امالی الصدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی، مقدمه و ترجمه: کمرهای، تهران: کتابچی.
- انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، فریده ممتاز، تهران: بی‌نا، ۱۳۸۱ ش.
- اندیشه اجتماعی در روایات امر به معروف و نهی از منکر، غلامرضا صدیق اورعی، تدوین: محسن طوسی، دارالحدیث، ۱۳۸۶ ش.
- اندیشه اجتماعی در روایات صلوة رحم، شرف الدین سید حسین، دفتر تبلیغات اسلامی.
- اندیشه اجتماعی در روایات صلوة رحم، محسن طوسی، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۷ ش.
- بحار الأنوار اخبار الائمة الأطهار، محمدباقر مجلسی، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- بررسی تطبیقی میان دیدگاه اسلام و یافته‌های علوم اجتماعی، دکتر سلیمی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پیام امام: شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغة، ناصر مکارم شیرازی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۵ ق.
- تاج العروس من جواهر القاموس، محمد بن محمد مرتضی زبیدی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- التبیان فی تفسیر القرآن با مقدمه شیخ آغابزرگ تهرانی، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۷۶ ق.
- تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم، حسن بن علی ابن شعبه، نجف: المکتبة والطبعة الحیدریة، ۱۳۸۰ ق.
- تحف العقول، حسن بن شعبه حرّانی، مؤسسه انتشارات اسلامی (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، ۱۴۰۴ ق.
- ترجمه مشکاة الأنوار، علی بن حسن طبرسی، و عزیز الله عطاردی، تهران: عطارد، ۱۳۷۴ ش.
- ترجمه و تفسیر نهج البلاغة، محمدتقی جعفری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
- ترجمه و شرح اصول کافی، محمد بن ابراهیم صدر الدین شیرازی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶ ش.

- ترجمه و متن کتاب *الاحتجاج*، احمد بن علی طبرسی، مترجم: بهراد جعفری، تهران: دار الکتاب الإسلامية، ۱۳۸۱ ش.
- *الترغیب و الترہیب*، اسماعیل بن محمد جوزی، دار الحدیث، ۱۴۱۴ ق.
- *تفسیر المیزان*، محمد حسین طباطبایی، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، و محمدباقر موسوی همدانی، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۶ ش.
- *تفسیر نمادہای دینی*، محسن طوسی، پژوهشکده صدا و سیما.
- *تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی*، فرامرز رفیع‌پور، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲ ش.
- *توحید مفضل*، جعفر بن محمد، ترجمه و نگارش: ابوالحسن حسینی (تهرانی)، قم: روحانی، ۱۳۸۳ ش.
- *توحید مفضل*، محمد خلیلی، بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۴ ق.
- *توحید مفضل*، محمدباقر مجلسی، تحقیق: باقر بیدہندی، مقدمه: محمد تقی شوشتری، پاورقی: سید محمدحسین طباطبایی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- *ثواب الأعمال*، محمد بن علی ابن بابویه قمی، تهران: کتابفروشی صدوق، ۱۳۶۳ ش.
- *جامعہ امروز*، فرهنگ هلاکویی، تهران: بی‌نا، ۱۳۵۶ ش.
- *جامعہ‌شناسی انحرافات (جزوہ درسی دورہ کارشناسی)*، علیرضا محسنی تبریزی تهران: دانشکدہ علوم اجتماعی دانشگاه تهران: ۱۳۷۹ ش.
- *جامعہ‌شناسی کجروی (مجموعہ مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی)*، علی سلیمی، و محمد داوری، پژوهشگاہ حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ ش.
- *جامعہ‌شناسی*، آنتونی گیندز، ترجمه: منوچہر صبوری، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸ ش.
- *جرم و جرم‌شناسی: (ترجمہ تطبیقی ویراست نخست و دوم)*، متن درسی نظریہ‌های جرم و کجروی، رابرت وایت، و فیونا هینز، ترجمه: علی سلیمی، با همکاری محسن کارخانه، و فرید مخاطب قمی، قم: مؤسسہ پژوهشی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ ش.
- *جرم‌شناسی نظری: مروری بر نظریہ‌های جرم‌شناسی*، جرج ولد، توماس برنارد و جفری اسنپس، ترجمه: علی شجاعی، مقدمه: محمد آشوری، تهران: سمت، ۱۳۸۰ ش.
- *الجوامر السنیة فی الاحادیث القدسیة*، محمد بن حسن حر عاملی، قم: نشر یس، ۱۴۰۲ ق، ۱۳۶۰ ش.
- *جہاد با نفس*، ترجمہ کتاب *جہاد النفس وسائل الشیعة*، محمد بن حسن حر عاملی، ترجمه: افراسیابی، علی، قم: نهاوندی، ۱۳۸۰ ش.
- *الحیة*، قم - بیروت: مؤسسہ العالمیة الحوزوات و المدارس الإسلامیة.
- *الحیة: گزارشی درباره جلد سوم تا ششم*، محمدرضا حکیمی، قم: تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- *الخصال*، محمد بن علی ابن بابویه قمی، مقدمه و ترجمه: احمد فہری زنجانی، تهران: مؤسسہ علمیة الإسلامیة.
- *درآمدی بر جامعہ: با تأکید بر نظریہ‌های کارکردگرایی*، ستیز و کنش متقابل نمادین، رابرتسون، یان، ترجمه: حسین، بہران، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴ ش.
- *الدرة الباهرة من الأصداف الطاهرة*، شهید اول، بیروت: دار الاعراف،

- ۱۴۱۳ ق.
- *الدرة الباهرة من الأصداف الطاهرة*، شهید اول، ترجمه: عبدالهادی مسعودی، قم: زائنه، ۱۳۷۹ ش.
- *درون‌مایه‌های یک نظریه اجتماعی بر اساس آموزه‌های قرآنی*، علی سلیمی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (ویژه‌نامه علوم اجتماعی)، سال پانزدهم، شماره ۵۶، ۵۷، بهار و تابستان ۱۳۸۶ ش.
- *دعائم الإسلام و ذکر الحلال والحرام*، لمان بن محمد ابن حیون، مصر: دار المعارف، ۱۳۸۹ ق.
- *رسالة فی علم اصول الحدیث*، علی بن محمد شریف جرجانی، صنعاء: مکتبه دارالقدس، ۱۴۱۵ ق.
- *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (ج ۱ و ۲)*، باقر ساروخانی، تهران: پژوهشگاه، ۱۳۷۲ ش.
- *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، بی‌بی، ارل، ترجمه: رضا فاضل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۱ ش.
- *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، مدیریت دامین گال، ترجمه: احمد رضا هنر و دیگران، تهران: سمت، ۱۳۸۲ ش.
- *روش‌های علوم اجتماعی*، دو ورژن، موریس، ترجمه: خسرو اسدی، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۲ ش.
- *سلاسل الحدید فی تقیید ابن ابی الحدید*، یوسف بن احمد البحرانی، بحرین: دارالعصمة، ۱۴۲۸ ق.
- *شرح جامعی بر نهج البلاغة*، ناصر مکارم شیرازی با همکاری جمعی از فضلا و دانشمندان، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۵ ش.
- *شرح غرر الحکم و درر الکلم*، آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
- *شرح نهج البلاغة*، سید عباس موسوی، بیروت: دار الرسول الاکرم، دار المحجة البيضاء، ۱۳۷۶ ق.
- *شرح نهج البلاغة*، میثم بن علی بن میثم بحرانی، ج ۱، ۴ و ۵، بی‌جا: دفتر نشر الکتب، ۱۳۶۲ ش.
- *عیون الحکم والمواعظ*، علی بن محمد لیثی واسطی، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ ش.
- *غرر الحکم و درر الکلم*، عبدالواحد بن محمد آمدی، بیروت: دارالصفوة، ۱۴۱۳ ق.
- *الفروق اللغویة*، حسن بن عبدالله عسکری، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- *الفصول المهمة الائمة علیهم السلام*، علی بن محمد ابن صباغ، بیروت: ثار الامناء، ۱۴۰۹ ق.
- *القاموس المحيط*، فیروزآبادی، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۷ ق.
- *الکافی*، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: کتب الإسلامیة، ۱۳۸۲ ق.
- *کندوکاوما و پنداشتما* فرامرز رفیع‌پور، تهران: شرکت سهامی انتشار ۱۳۷۲ ش.
- *کنز الفوائد*، محمد بن علی کراچی، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰ ق.
- *گزاره‌های دینی و طبیعت اجتماعی کجروی*، علی سلیمی، فصل‌نامه علمی - پژوهشی انجمن معارف اسلامی ایران، سال دوم، ش ۸ و ۹.

- *لسان العرب*، محمد بن مکرم ابن منظور، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق.
- *مبانی جامعه‌شناسی*، آلفرد مک کلانگ لی، ترجمه: محمدحسین فرجاد، و هما بهروش، تهران: نشر همراه، ۱۳۶۹ ش.
- *مبانی جامعه‌شناسی*، بروس کوئن، ترجمه و اقتباس: غلامعباس توسلی، و رضا فاضل، تهران: سمت، ۱۳۷۲ ش.
- *مجمع البحرین*، فخرالدین بن محمد طریحی، تهران: مؤسسه بعثت، ۱۴۱۴ ق.
- *مجمع البیان*، فضل بن حسن طبرسی، بیروت: مؤسسه الاعلمی المطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
- *مسائل جامعه‌شناسی از دیدگاه امام علی*، هیأت تحریریه بنیاد نهج البلاغه
- *مستدرک الوسائل*، حسین بن محمدتقی نوری، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق.
- *مستدرک الوسائل*، میرزا حسین نوری، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۸ ق.
- *مستدرک نهج البلاغه الموسوم بمصباح البلاغه*، میرجهانی طباطبایی، بی‌جا: ۱۳۸۸ ق.
- *مشکاة الأنوار فیما روی عن الله سبحانه من الأخبار*، محمد بن علی ابن عربی، مصر: مکتبه القاهره، ۱۴۲۰ ق.
- *مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول*، محمد بن طلحة نصیبی، بیروت: مؤسسه البلاغ، ۱۴۱۹ ق.
- *معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعه و الاسماء المصنفین منهم قديماً و حديثاً*، ابن شهر آشوب مازندرانی، نجف: المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۰ ق.
- *معجم المقاییس فی اللغة*، احمد بن فارس ابن فارس، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ ق.
- *المفردات فی غریب القرآن*، حسین بن محمد راغب اصفهانی، مصر: شركة مکتبه و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده، ۱۳۸۱ ق.
- *مقدمه ای بر جرم‌شناسی*، ریمون گسن، ترجمه: مهدی کی‌نیا، بی‌جا: ۱۳۷۰ ش.
- *مناسبات جامعه‌شناسی و حدیث (مجموعه مصاحبه‌ها)*، با همکاری، محمدرضا ضمیری، قم: دار الحدیث.
- *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، سعید بن هبة الله قطب‌الدین راوندی، قم: مکتبه‌آیت الله المرعشی العامه، ۱۴۰۶ ق.
- *میزان الحکمة*، محمد محمدی ری‌شهری، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۷ ش.
- *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۶۹ ش.
- *نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی (مجموعه علوم اجتماعی ۲۴)*، پیتر ورسلی، ترجمه: سعید معین‌دفتر، تهران: ۱۳۷۸ ش.
- *النهاية فی غریب الحدیث و الأثر*، ابن اثیر، مبارک بن محمد، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
- *نهج البلاغه امیرالمؤمنین*، با قلم: محمدجعفر امامی، و محمد رضا آشتیانی، زیر نظر: ناصر مکارم شیرازی، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۳۷۵ ش.
- *نهج البلاغه*، ابوالحسن محمد بن الحسن سید رضی، تصحیح: صبحی صالح، بیروت: دار الکتب اللبنانی، ۱۹۸۰ ق.
- *نهج البلاغه*، سید رضی ابوالحسن محمد بن الحسن، تهران: اساطیر، ۱۳۷۴ ش.

- وسائل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.  
- «بررسی مجدد رابطه دین و جرم: اثرات دین، کنترل‌های غیردینی و محیط اجتماعی و بزه‌کاری بزرگسالان»، ایوانز، تی. دیوید و دیگران، ترجمه: علی سلیمی، فصل‌نامه حوزه و دانشگاه، ش ۲۳، تابستان ۷۹ ش.  
- «دین، کجروی و کنترل اجتماعی»، استارک، رادنی و ویلیام سیمز بن بریج، تلخیص و گزارش: علی سلیمی، فصلنامه حوزه و دانشگاه ش ۲۲، بهار ۷۹ ش.

- *America s Crime Problem: ...* Sheley, J. F (1985).- Becker, H. (1963). *Outsiders: Studies in the Sociology fo Deviance* New York: Free Press.
- Clifton D. Brayant, *Encyclopedia of criminology and deviant behavior*, Brunner routledge.
- Cohen, A. K. (1968). *Deviant Behavior*.
- Downes, David & Paul Rock (1998). *Understanding Deviance: A Guide to Sociology of Crime and Rule Braking*. (3d ed). U. S.A.: Oxford University Press.
- Englewood, *Crimes without Victims: Deviant Behavior and Public Policy* Schur, E (1965). Cliffs, N. J.: Prentice\_Hall.
- Goffman, Erving (1963). *Srigma*. Englewood Cliffs N.J.: Prentice\_Hall.
- Heussanstamm, F.K. (1975). *Bumper Stickers and the Cops*. inSteffensmeier, D.J.& R.M. Terry (eds) *Examining Deviance Experimentally: Selected Readings*. Port Washington, N.Y.: Erlbaum.
- Lemert, E. M. (1972). *Human Deviance, Social problems, and Social Control*. (2ne ed.) Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Lily, J. R., Cullen, F. T. & Ball. *Criminological Theory: Context and Consequencers* R. A. Newbury Park, CA: Sage. (1989).
- *Radical Non - intervention: Rethinking the Delinquency* Schur, E. (1973). Englewood Cliffs, N. J.: Prentice - Hall. *Problem*.
- Schur, E. (1973). Englewood Cliffs, N.J.: Prentice - Hall *Radical Non - Intervention: Rethinkig the Delinquency Proble*.
- Social Merton, R. K. (1968). *Theory and Social Strucure*.
- Webster s *New Collegiate Dictionary*.
- Wrightsman, L.S., *et.al. Psychology and...* (1998).